

خبر

داعش به دنبال فرصت در آشفنگی

● بنا بر سرمقاله هفته‌نامه النبا، متعلق به داعش، آشفنگی‌های فعلی آمریکا در بلندمدت فرصت‌های مناسبی در اختیار این گروه قرار خواهد داد. این سرمقاله نخستین واکنش داعش به وقایع ششم ژانویه آمریکاست؛ روزی که طرفداران دونالد ترامپ به ساختمان کنگره در واشنگتن حمله کردند. به گزارش بی‌بی‌سی، استدلال این مقاله این است که بحران سیاسی در آمریکا باعث خواهد شد که این ابرقدرت در بلندمدت درگیر مشکلات داخلی خود باشد؛ روندی که به نیروهای جهادی اجازه خواهد داد در کشورهای مسلمان دست به پیشروی بزنند.

این گروه می‌گوید «چیزی که وقایع اخیر آمریکا را به ما مربوط می‌کند، این است: صلیبپن آمریکا بیش از گذشته درگیر خود خوانده شد. درگیری سیاسی در داخل باعث خواهد شد که رهبران این کشور اختصاص منابع به جنگ با مسلمانان را کم‌کنند و به خروج از سرزمین‌های مسلمان ادامه دهند.»
«آنها در عوض روی مسائل داخلی و همچنین آن دسته از مسائل خارجی متمرکز خواهند شد که مستقیماً بر زندگی آمریکایی‌ها در داخل این کشور و متحدان اصلی آنها تأثیر می‌گذارد.

این سرمقاله پیش‌بینی می‌کند که «منازعه» بین دموکرات‌ها و جمهوری‌خواه‌ها و طرفداران‌شان در دوره آتی «بسیار شدید خواهد بود، به‌ویژه به این دلیل که طرفداران ترامپ می‌خواهند انتقام ازدست‌دادن قدرت را بگیرند. این سرمقاله در ادامه می‌گوید که تمرکز هر دو حزب بر مسائل داخلی خواهد بود تا بتوانند رأی مردم را به دست بیاورند. اما این سرمقاله تأکید می‌کند که «تصورى احمقانه است» اگر فکر کنیم که ایالات متحده کاملاً از صحنه جهانی خارج خواهد شد و صرفاً به مسائل داخلی خود خواهد پرداخت. به عوض، آمریکا حاضر خواهد شد که قدرت و دستاورد‌هایش را با دیگر قدرت‌های «کافر» تقسیم کند؛ یعنی رویه‌ای متضاد با «انحصارطلبی و برتری‌طلبی» سابق.

در این مقاله درعین‌حال به رقابت ژئوپلیتیک بین ایالات متحده و دیگر قدرت‌های عمده-احتمالاً روسیه، ترکیه، چین و ایران - نیز پرداخته شده و مباحثی براساس‌این طرح شده است. در این سرمقاله ادعا شده است که عملیات آمریکا علیه داعش به میزان درخورتوجهی فروکش کرده است؛ روندی که در رفتار شرکاى «صلىبي» این کشور در ائتلاف بین‌المللی علیه این گروه نیز مشهود است.

در این سرمقاله با تمسخر گفته شده است که

آمریکا در ابتدا مدعی پیروزی بر داعش شد؛ اما بعد از اینکه ادامه فعالیت‌های داعش مشخص کرد که این ادعا چیزی جز «روغ» نبوده است،

آن را به «موفقیت در محدودکردن» داعش تغییر داد. در ادامه این سرمقاله گفته شده است که

«فروکش» کردن کارزار ائتلاف بین‌المللی علیه داعش تنها باعث نگرانی قدرت‌هایی شده است

که در منطقه از طرف آمریکا حمایت می‌شوند؛ بلکه رقبیان این گروه را نیز به وحشت انداخته است؛ چراکه همگی از قدرت‌گرفتن مجدد داعش

واهمه دارند. این سرمقاله با تأکید مجدد بر ادامه جنگ با آمریکا و متحدانش و اشاره به شعار

جنگی داعش، پایان می‌یابد: «آمده‌ایم که بمانیم».

«میدان مین» پمپئوبرای بایدن

● مایک پمپئو، وزیر امور خارجه آمریکا، در آستانه پایان کار دولت ترامپ، کمپین بمذمظری را به راه انداخته و در توئیتر رسمی خود شعارها و فخرفروشی‌های سیاسی از دستاورد‌هایش را به معرض نمایش می‌گذارد. به گزارش ایسنا، روزنامه واشنگتن‌پست نوشت: این حرکات نمایشی که قرار بود در راستای منافع او باشد، اکنون به شکلی تهدیدآمیز در حال تبدیل‌شدن به امری کشنده است. پمپئو در روزهای گذشته از تدابیری برای حذف چندین دهه محدودیت از تماس‌های دیپلماتیک با تایوان و درج نام کوبا و حوثی‌های (انصارالله) یمن در فهرست حامیان تروریسم رونمایی کرد.

این سه حرکت دردره‌هایی را برای دولت آتی بایدن به وجود می‌آورد؛ اما هیچ‌کدام به اندازه تصمیم دربارہ یمن که مقام‌های امدادرسان بین‌المللی می‌گویند می‌تواند این کشور جنگ‌زده را به سمت قطعی بکشاند، خطرناک نیستند. مداخله فاجعه‌بار عربستان سعودی و امارات که از ۲۰۱۵ آغاز شد، اثری بر حوثی‌ها نداشت و موجب اتحاد آنها با ایران شد. دراین‌حال این تهاجم یه ایجاد آنچه سازمان ملل به‌عنوان وخیم‌ترین بحران انسانی جهان توصیف می‌کند، کمک کرد. تقریباً نیمی از جمعیت ۲۸ میلیونی یمن، از سطوح بالای ناامنی غذایی رنج می‌برد و چهارپنجم از آنها به کمک‌های بشردوستانه متکی هستند. دیگر تحركات پمپئو هم تله‌های مشابهی هستند. یکی از آنها دولت آتی را موظف می‌کند تا خشم چین را برانگیزد و احتمالاً یک بحران به وجود می‌آورد که از طریق حذف کنترل بر تماس‌ها میان مقام‌های آمریکایی و تایوانی است که برای ۴۰ سال برقرار بوده است. مورد دیگر درج دوباره نام کوبا در فهرست حامیان تروریسم است که دولت اوپاما آن را برداشته بود.

قوی‌ترین سلاح دنیا، موشک‌های بالستیک با قابلیت شلیک از زیردریایی، یکی پس از دیگری وارد میدان شدند تا به جهانیان نشان دهند که کره‌شمالی، به رهبری «کیم جونگ اون»، در دو سال گذشته بی‌کار نشسته است و افزایش توان «نیروهای مسلح انقلابی» همچنان قدرتمندانه ادامه دارد.

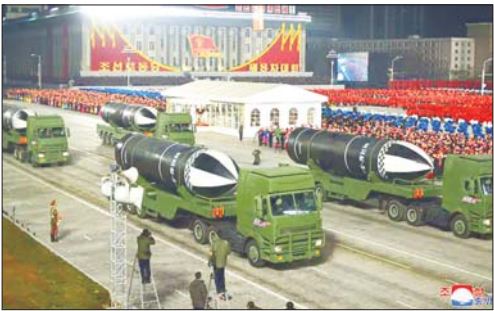
برای نخستین بار پس از دو سال و به‌ویژه پس از دیدار رهبر کره‌شمالی با رهبران بین‌المللی ازجمله «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهوری آمریکا در سال ۲۰۱۸، پیونگ‌یانگ از موشک‌های بالستیک قاره‌پیما خود رونمایی می‌کرد. این رژه نظامی هم‌زمان با مراسم کنگره خلق حزب «کارگران» برگزار شد؛ در آخرین مراسم کنگره خلق پنج سال پیش، کیم جونگ اون در سخنانی بی‌سابقه گفته بود وضع اقتصادی کشورش «بدتر از بد» است و به این ترتیب پیامدهای تحریم‌های اقتصادی سازمان ملل و آمریکا را به رسمیت شناخته بود. اما رهبر جوان کره‌شمالی متفاوت‌تر از گذشته در مراسم روز پنجشنبه شرکت کرده است؛ او با کلاه پوست، بارانی و دستکش چرمی مشکی در این مراسم شخصاً حضور داشت و رژه چهار موشک بزرگ جهانی را نظاره می‌کرد. موشک‌هایی که به گزارش الجزیره، شکل تکامل‌یافته‌تری از موشک‌های «پوگ‌کوگ‌سونگ» هستند. خبرگزاری کره‌شمالی در توصیف این مراسم گفت «وقتی نیروها پیشرفته‌ترین سلاح‌های استراتژیک کشور شامل موشک‌های بالستیک مستقر روی زیردریایی را به نمایش در می‌آوردند، تماشاگران فریاد می‌زدند». تصاویر منتشرشده از سوی این خبرگزاری نشان می‌دهد کامیون‌هایی که موشک‌های جدید بالستیکی را حمل می‌کردند، بزرگ‌تر از کامیون‌هایی بودند که پیونگ‌یانگ پیش‌تر از آنها استفاده می‌کرد.

رویتز می‌گوید در این رژه خلاف رژه ماه اکتبر، موشک بالستیک قاره‌پیما (ICBM) کره‌شمالی به نمایش گذاشته نشد. اما در پایان تعدادی موشک

جهان

کره‌شمالی از موشک بالستیک با قابلیت شلیک از زیردریایی رونمایی کرد

خوشامدگویی به بایدن



که به اعتقاد تحلیلگران مدل‌های جدیدی از موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد با قابلیت پرتاب از زیردریایی بودند، به نمایش گذاشته شد. گفته می‌شود این موشک‌ها می‌توانند کلاهک هسته‌ای حمل کنند و قادرند هر نقطه از ایالات متحده را هدف قرار دهند و به خاک کشور ژاپن نیز می‌رسند. این موشک‌ها همچنین می‌تواند یکی از عظیم‌ترین موشک‌های بالستیک مجهز به سامانه متحرک جاده‌ای در سراسر دنیا باشد.کره‌شمالی در سه سال گذشته هیچ آزمایش اتمی‌ای انجام نداده است، واپسین بار در ژوئن ۲۰۱۸ بود که حکومت این کشور اعلام کرد بمبی هیدروژنی آزمایش کرده است و پیش از آن نیز پنج آزمایش دیگر نیز از سوی این کشور انجام شده بود. اما این تمامی ماجرا نیست؛ تحلیلگران آشنا به امور کره‌شمالی بر این باورند که رونمایی از موشک بالستیک با قابلیت شلیک از زیردریایی از سوی رهبر کره‌شمالی، تنها یک دلیل دارد و آن هم تغییر رهبر کاخ سفید است. به نظر کارشناسان، این حرکت را می‌توان نوعی قدرت‌نمایی در برابر «جو بایدن»، رئیس‌جمهوری آینده ایالات متحده تعبیر کرد. در سخنرانی کیم جونگ اون

رقابت برای جانشینی ترامپ از هم اکنون آغاز شده است

خلأ قدرت در حزب جمهوری خواه



گتیمایز

از حمایت خود از دونالد ترامپ دست بردارد».

اما تمام جمهوری خواهان حاضر نیستند تا این حد

به ترامپ وفادار بمانند و پس از چهار سال حکمرانی و یک‌صدایی ترامپ در این‌ حزب، می‌خواهند بلندپروازان‌تر فکر کنند. نیکي هيلي، سفیر سابق

ایالات متحده در سازمان ملل هفته گذشته در کنگره حزب جمهوری‌خواه سخنرانی قابل‌توجهی کرد و بخشی از عملکرد ترامپ در دوره چهارساله‌اش را مورد ستایش قرار داد اما تأکید کرد که «اقدامات اخیر ترامپ به سختی مورد قضاوت تاریخ قرار خواهد گرفت». تام کاتن هم که در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۰ در برنامه‌های تبلیغاتی ترامپ حضور داشت، حاضر نشد تا از اصرارهای ترامپ برای زیرسؤال‌بردن پیروزی بایدن در انتخابات ریاست‌جمهوری حمایت کند و به‌این‌ترتیب راه خود را از ترامپ جدا کرد.

«اک دوسی» فرماندار آریزونا تازه‌ترین چهره شاخص جمهوری‌خواهان است که رودروى ترامپ قرار گرفته است. او با انتقاد ضمنی از رویکرد ترامپ، در بیانیه‌ای در توئیتر نوشت که در مراسم تحلیف «جو بایدن» رئیس‌جمهور آتی ایالات متحده شرکت خواهد کرد. دوسی نوشت: در آمریکا ما به انتقال مسالمت‌آمیز قدرت اعتقاد داریم. انتخابات به پایان رسیده و نتیجه آن هم مورد تأیید قرار گرفته است. ما کشور را قبل از حزب قرار می‌دهیم».

«باب کوکر» سناتور سابق ایالت تنسی که در

نیز به خوبی این نیت مشخص بود. او در نطق رسمی خود، ایالات متحده را بزرگ‌ترین دشمن کره‌شمالی دانست و از گسترش زرادخانه هسته‌ای کشور خبر داد؛ موضعی که حداقل در طول زمامداری ترامپ سعی کرده بود از آن فاصله بگیرد. کیم در سال‌های گذشته تلاش کرد با هدف برچیده‌شدن تحریم‌ها با دونالد ترامپ کنار بیاید. میان دو سیاست‌مدار تعارف‌های زیادی ردوبدل شد، اما نتایج ملموسی در پی نداشت. ترامپ، رهبر کره‌شمالی را «دوست خوب» خود خواند. روندی که با پیروزی بایدن در انتخابات به کلی تغییر کرد. بایدن که چهارشنبه وارد کاخ سفید می‌شود، وعده داده مواضعی سرسخت‌تر از دونالد ترامپ علیه کره‌شمالی اتخاذ کند. بایدن در جریان رقابت‌های انتخاباتی، حتی پا را فراتر گذاشت و کیم را «جانی‌کارت» خواند و سخنی که واکنش تندی به دنبال داشت و رهبر کره‌شمالی، بایدن را «سگ هار» خطاب کرد. کارشناسان مسائل کره‌شمالی پیش از این گفته بودند کیم جونگ اون برای آنکه در صدر اولویت‌های دولت بایدن قرار گیرد، به اقداماتی تحریک‌آمیز دست خواهد زد. «اسکات سیندلر» در یادداشتی نوشته بود در واقع این منطقی است که کره‌شمالی بازگشت سیاست آمریکا در قبال کره به رویکردی متعارف‌تر و کمترشخصی را با بلوف، خطرپذیری و اقدامات تحریک‌آمیزی پاسخ دهد که ویژگی این کشور در خوشامدگویی به رهبران جدید مانند «باراک اوباما» و «بارک گئون های» رؤسای جمهوری پیشین آمریکا و کره‌جنوبی و همچنین دونالد ترامپ بوده است. به باور آنان، این راهکار کیم جوان در برابر بایدن جواب نخواهد داد؛ او باید زیرکانه منتظر موقعیت مناسب باشد و از دولت جدید ایالات متحده برای برقراری رابطه دوجانبه با پیونگ‌یانگ تحت عنوان دولت هسته‌ای دعوت کند؛ اما تحریک و تهدید بخشی از طبیعت رهبر کره‌شمالی است و او نشان داده که قادر نیست راهبردی را آغاز کند که بایدن و کابینه‌اش را مجاب به تغییر سیاست‌هایشان و لغو تحریم‌های این کشور کند.

رقابت برای جانشینی ترامپ از هم اکنون آغاز شده است

خلأ قدرت در حزب جمهوری خواه

سال ۲۰۱۸ پس از حملاتی که به رهبری ترامپ علیه او انجام شد، از مقام خود کناره‌گیری کرد هم می‌گوید «ترامپ با حمله به نامزدهای احتمالی حزب جمهوری‌خواه در چهار سال اخیر، آنها را آزاد کرده تا برای رقابت انتخاباتی با به میدان بگذارند. کوکر معتقد است که او و دیگر اعضای حزب جمهوری‌خواه که مورد حملات ترامپ قرار گرفته‌اند، دیگر به او وفاداری نخواهند داشت. کاتن و دوسی از جمله کسانی هستند که اخیراً مورد حمله ترامپ قرار گرفته‌اند. من فکر می‌کنم که آنها دیگر چیزی برای ازدست‌دادن ندارند. دیگر دلیلی برای مدیون بودن به ترامپ وجود ندارد».

این بخش از جمهوری‌خواهان می‌دانند که بدون تهدید توئیتری ترامپ، نامزدهای حزب آزاد‌تر هستند و بدون ترس از انتقام جویی، می‌توانند خود را از او جدا کنند. ترامپ از حساب توئیتر خود به‌عنوان ابزار اصلی برای تحمیل خواسته‌ها و منافع خود به نظم موجود استفاده می‌کرد.

بخشی از تمایل به جدایی از ترامپ به این دلیل است که با تحولات اخیر ترامپ دیگر نمی‌تواند جایگاه سابق خود را داشته باشد و قدرت رهبری و نفوذش کاهش یافته است.

براساس یک نظرسنجی که هفته گذشته و پس از حمله افراط‌گرایان حامی ترامپ به کنگره منتشر شد، میزان تأیید ترامپ در میان جمهوری خواهان ۷۵ درصد است. درحالی‌که این رقم در ماه دسامبر ۸۳ درصد بود. این نظرسنجی نشان می‌دهد که فقط ۴۰ درصد جمهوری‌خواهان در انتخابات مقدماتی ۲۰۲۴ از ترامپ حمایت می‌کنند. دیگر سؤال‌شوندگان گفته‌اند که از هر شخص دیگری غیر از ترامپ حمایت خواهند کرد. اسکات رید، مشاور سیاسی سابق اتاق بازرگانی ایالات متحده می‌گوید: «هنوز حدود یک هفته تا پایان ریاست‌جمهوری ترامپ زمان باقی مانده اما توانایی ترامپ برای تأثیرگذاری بیشتر در سیاست‌های حزب جمهوری‌خواه از هفته گذشته با حمله هوادارانش به کنگره و سپس دومین استیضاح به‌شدت کاهش یافته است». در حال حاضر حزب چشم‌انداز روشنی برای جانشینی ترامپ در هیچ وجود ندارد و جنگ علنی جمهوری‌خواهان آغاز شده است. پمپئو هفته گذشته در سخنرانی برای قانون‌گذاران محافظه‌کار، تلویحا انتقاد هیلی از دونالد ترامپ را رد کرد و گفت «من فکر می‌کنم تاریخ به خوبی از ما یاد خواهد کرد».

چشم‌انداز

توافقی ابراهیم

در برابر دیپلماسی بایدن

ولید فارس ـ تحلیلگر عرب

● پس از برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری ایالات متحده در نوامبر ۲۰۲۰ که آمریکا رویدادهای سیاسی تکتان‌دهنده‌ای را پشت‌سر گذاشت، رهبران کشورهای عربی خلیج فارس چه قبل و چه بعد از آن، به‌سرعت دست به کار شدند و برای اجتناب از تبعات منفی ناشی از تحولات آینده واشنگتن و دستیابی به بهترین موضع راهبردی در برابر امواج احتمالی ۲۰۲۱، گام‌های سودمند و ماهرانه‌ای برداشتند. نخستین گام کشورهای خلیج فارس و ائتلاف عربی در این راستا گسترش «توافق ابراهیم» و شامل‌کردن سودان و مراکش در آن و برقرارکردن پل‌های اقتصادی و گردشگری میان امارات متحده عربی، بحرین و اسرائیل به شکل علنی و جذاب بود که توجه مراکز مالی و اقتصادی در غرب و جهان را به خود معطوف کرد. ایجاد پل‌های اقتصادی و ارتباطی بازرگانی مشترک میان کشورهای عضو توافق ابراهیم یعنی میان ثروتمندترین کشورهای عربی (امارات متحده عربی، عربستان سعودی و بحرین) و رزم اسرائیل که از طریق تجمعات خود، دارای شبکه اقتصادی وسیعی در بازارهای نیویورک، لندن، لس‌آنجلس، تورنتو و دالاس است، باعث شکفتنی و حیرت در جهان شد و سرمایه‌گذاران بزرگ، تشکل‌های مالی کلان و کانون‌های پژوهشی اقتصادی در جهان را در جنب‌وجوش انداخت. اکنون بخش‌های عظیمی از شرکت‌های اقتصادی و بازرگانی پرنفوذ و تأثیرگذار جهان، خود را برای شرکت در پروژه تازه و پیش‌شاز توافق ابراهیم، آماده می‌کنند که در نتیجه آن یک مجموعه بزرگ اقتصادی و مالی دارای منافع مشترک به وجود خواهد آمد و به‌عنوان یک لابی در اروپا و آمریکا به سود شرکای بیمان ابراهیم عمل خواهد کرد و آنها را مورد حمایت خود قرار خواهد داد. حتی درصورتی‌که واشنگتن به برجام بازگردد، بازهم نمی‌تواند این مجموعه قدرتمند اقتصادی توافق ابراهیم و اعضای شناخته‌شده و دوستان نزدیک آن را از نظر دور داشته باشد. خلاصه فرایند صلح سازمان‌یافته‌ای که به طراحی امارات متحده عربی و حمایت ائتلاف عربی به وجود آمده است، کشورهای خلیج فارس را از پیامدهای منفی بازگشت واشگتن به برجام مصون خواهد داشت. از سوی دیگر عربستان سعودی نیز پروژه‌های توسعه‌ای، گردشگری و فناوری متعددی در زیر چتر اصلاحات محمد بن سلمان به راه انداخته است. گشایش بخش‌های وسیعی از صحرای دل‌انگیز حجاز در منطقه «الغلا» به روی گردشگران بین‌المللی، راه‌اندازی پروژه شکفت‌انگیز «ننوم» در بخش‌های فناوری، محیط زیست و مدرنیسم، افزون بر طرح‌ها و پروژه‌های دیگری در غرب و شرق عربستان، چهره نوینی از این کشور پنهانوار ارائه داده و جهان را غافلگیر کرده است. اجرائی‌شدن این پروژه‌ها در توسعه کشورهای عربی خلیج فارس و همبستگی آنها نیز نقش مثبتی خواهد داشت که در نتیجه راه را به روی ایران برای بهره‌برداری از بازگشت احتمالی اداره جو بایدن به برجام، خواهد بست و اجازه نخواهد داد که از آن در راستای تضعیف پروژه‌های توسعه‌ای عربستان سعودی و ایجاد شکاف میان رهبران ائتلاف عربی، بهره‌برداری کند.

نخست سرتان کشورهای خلیج فارس در شهر «الغلا»ی سعودی، بر قطع روابط میان قطر و سایر کشورهای عضو نقطه پایان گذاشت و با سرعت حیرت‌انگیزی راه‌های هوایی، دریایی و زمینی را مجدداً به روی قطر باز کرد. بسیاری‌ها در منطقه و جهان که از این دگرگونی سریع غافلگیر شده‌اند، درباره عوامل دل علل آن می‌پرسند. البته پاسخ‌های حقیقی برای این پرسش وجود دارد که برخی از آنها به شکل علنی ابراز شده و برخی دیگر تا هنوز در برده کتمان قرار دارد؛ از جمله اینکه «رهبران ائتلاف عربی با پیشکش‌کردن طرح برنامه آشتی منطقه‌ای، دست به یک ابتکار دیپلماتیک زدند که از یک سو توافق ابراهیم را تکمیل می‌کند و راه را برای تعامل با تغییرات احتمالی سیاست آمریکا، هموار می‌سازد. رهبران ائتلاف پیش‌بینی کرده بودند که تیسم مذاکره‌کننده دولت بایدن به منطقه خواهد آمد و از کشورهای منطقه خواهد خواست که شروط بازگشت آمریکا به برجام را بپذیرند؛ از این جهت آنها با این کار در واقع به دولت بایدن کمک کردند و زحمت ایجاد آشتی میان کشورهای خلیج فارس و قطر را از آن کاستند، اما در مقابل، این کشورها از دولت بایدن خواهند خواست در شرایطی که در رابطه با برجام، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین (و شاید هم بر قطر) را نیز در گفت‌وگوها داخل و از فشاری که بر آنها برای پذیرش آن وجود دارد، بکاهد، نقش توافق ابراهیم را به‌عنوان پروژه موفق و مورد توجه جامعه بین‌المللی، در اتخاذ تصمیم قطر نیز نباید از نظر دور داشت. از این جهت می‌توان گفت که منافع دوحه و سایر پایتخت‌های ائتلاف عربی، در یک نقطه با هم گره خورد و محاسبات آنها به یک برابند واحد منتهی شد که در نتیجه توانستند همه همین مسیر را برگزینند؛ چنانچه کشورهای ائتلاف، میانجی‌گری دولت دونالد ترامپ را که سال‌ها پیش مطرح شده بود اما تا انتخابات آمریکا بی‌نتیجه مانده بود، پذیرفتند و قطر هم به آنها پیوست. اکنون که سران کشورهای عربی خلیج فارس، پس از نشست تهران «الغلا» صف‌های خود را یکپارچه و خاطر شهروندان خود را آسوده کرده‌اند، برای تعامل با دولت جدید واشنگتن و برخورد با مر حله تازه‌ای از سیاست آمریکا، آماده می‌شوند.